



1

Vol. 7
Spring 2026

Research Paper

Received:
09 March 2025
Revised:
01 October 2025
Accepted:
24 November 2025
Published:
21 March 2026
P.P: 127-155

ISSN: 2008-3564
E-ISSN: 2645-5285



Future research on the Iran-US crisis with a scenario-writing approach and based on a structural analysis of mutual effects

Sajjad Soltani Rezaei Seir¹ | Ali Morshedi Zad² | Shohreh Pirani³

Abstract

The aim of this research is to study the future of the political crisis between Iran and the United States with a scenario writing approach and structural analysis of mutual effects. The research method, scenario writing, is based on qualitative content analysis. Data was collected through a review of documents, evidence, scientific articles, books, and reputable websites, and the statistical population consisted of written and digital sources related to the subject, which were purposefully sampled and analyzed. Validity and reliability were ensured through reference to reputable sources and expert review. Data analysis was conducted in two stages: structural analysis (identification of key variables) and scenario writing. The findings of the structural analysis identified two key drivers of uncertainty: the level of American interactionism/interactionism and the level of Iranian strategic flexibility/solidity. By combining these two axes, four main scenarios were developed: Fragile return, Unclear balance, Siege and stagnation, and Drift toward conflict. The findings showed that the current crisis is entrenched in a state of "uneasy equilibrium" (scenario 2), which indicates the continuation of strategic deadlock and maximum pressure against active resistance, with a constant risk of escalation. The overall conclusion suggests that breaking this deadlock requires accepting the reality of "forced coexistence" and finding a new formula for conflict management by the parties, since neither side has the ability to eliminate the other.

Keywords: Futures Studies, Political Crisis, Structural Analysis, Iran-US Relations, Scenario Writing.

1. PhD Student, Futures Studies Group, Shahed University, Tehran, Iran.

Email: sajadsoltani222@yahoo.com

2. Corresponding Author: Associate Professor, Political Science Group, Shahed University, Tehran, Iran.

Email: morshdizad@shahed.ac.ir

3. Associate Professor, Political Science Group, Shahed University, Tehran, Iran.

Email: sh.pirani@shahed.ac.ir

Cite this Paper: Soltani Rezaei Seir, S & Morshedi Zad, A & Pirani, Sh(2026). Future research on the Iran-US crisis with a scenario-writing approach and based on a structural analysis of mutual effects. *Future Studies of the Islamic Revolution*, 1(7), 127-155.

Publisher: Imam Hussein University

© Authors



This article is licensed under a [Creative Commons Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)(CC BY 4.0) .



آینده‌پژوهی بحران ایران و آمریکا را با رویکرد سناریونویسی و بر پایه تحلیل ساختاری اثرات متقابل

سجاد سلطانی رضایی سیر^۱ | علی مرشدی زاد^۲ | شهره پیرانی^۳

چکیده

هدف این پژوهش، آینده‌پژوهی بحران سیاسی ایران و آمریکا با رویکرد سناریونویسی و تحلیل ساختاری اثرات متقابل است. روش تحقیق آن، سناریونویسی مبتنی بر تحلیل محتوای کیفی می‌باشد. داده‌ها از طریق بررسی اسناد، مدارک، مقالات علمی، کتاب‌ها و وبسایت‌های معتبر گردآوری شده است و جامعه آماری، متشکل از منابع مکتوب و دیجیتال مرتبط با موضوع بود که به صورت هدفمند نمونه‌گیری و تحلیل شدند. روایی و پایایی از طریق رجوع به منابع معتبر و بازبینی متخصصان تأمین گردید. تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو مرحله تحلیل ساختاری (شناسایی متغیرهای کلیدی) و سناریونویسی انجام شده است. یافته‌های تحلیل ساختاری، دو محرک کلیدی عدم قطعیت را شناسایی کرد: سطح تعامل‌گرایی/تقابل‌گرایی آمریکا و سطح انعطاف‌پذیری/صلابت راهبردی ایران. با ترکیب این دو محور، چهار سناریوی اصلی تدوین شد: بازگشت شکننده، تعادل تیره و تار، محاصره و رکود، و رانش به سمت درگیری. یافته‌ها نشان داد که بحران کنونی در حالت «تعادل تیره و تار» (سناریوی ۲) تثبیت شده که بیانگر تداوم بن‌بست راهبردی و فشار حداکثری در مقابل مقاومت فعال، با خطر دائمی تشدید است. نتیجه‌گیری کلی حاکی از آن است که خروج از این بن‌بست، مستلزم پذیرش واقعیت «همزیستی اجباری» و یافتن فرمولی جدید برای مدیریت تعارض توسط طرفین است، چرا که هیچ یک توانایی حذف دیگری را ندارند.

کلیدواژه‌ها: آینده‌پژوهی، بحران سیاسی، تحلیل ساختاری، روابط ایران و آمریکا، سناریونویسی.

۱. دانشجوی دکتری تخصصی گروه آینده‌پژوهی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

Email: sajadsoltani222@yahoo.com

۲. نویسنده مسئول: دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

Email: morshdizad@shahed.ac.ir

۳. دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

Email: sh.pirani@shahed.ac.ir

استناد: سلطانی رضایی سیر، سجاد و مرشدی زاد، علی و پیرانی، شهره (۱۴۰۵). آینده‌پژوهی بحران ایران و آمریکا را با رویکرد سناریونویسی و بر پایه تحلیل ساختاری اثرات متقابل. *نشریه علمی آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی*، ۱(۷)، ۱۲۷-۱۵۵.



مقدمه و بیان مسئله

در عرصه پرتلاطم روابط بین‌الملل، مناسبات ایران و آمریکا به عنوان یکی از پیچیده‌ترین و طولانی‌ترین بحران‌های سیاسی معاصر، همواره کانون توجه تحلیل‌گران، سیاست‌گذاران و آینده‌پژوهان بوده است. این بحران که ریشه در تحولات تاریخی چون انقلاب اسلامی ایران دارد، در دهه‌های اخیر با ابعادی همچون برنامه هسته‌ای، نفوذ منطقه‌ای، مسائل حقوق بشری و کاربست ابزارهایی چون تحریم‌های حداکثری و راهبرد مقاومت فعال، شکل‌بندی جدید و پویایی به خود گرفته است. در شرایط کنونی که نظام بین‌الملل در حال گذار به نظم چندقطبی است و خاورمیانه شاهد بازآرایی قدرت است، فهم آینده محتمل این بحران برای تمامی ذی‌نفعان از اهمیتی حیاتی برخوردار است (ذوالفقاری، ۱۴۰۲: ۳۲). مطالعات پیشین در حوزه روابط ایران و آمریکا عمدتاً بر تحلیل‌های تاریخی، ریشه‌یابی تنش‌ها یا سناریوهای محدود (مانند تهدید نظامی یا مذاکرات هسته‌ای) متمرکز بوده‌اند. پژوهش‌هایی همچون سجادی و رضائی (۱۴۰۰) و امیری و همکاران (۱۴۰۱) به ترتیب به سناریوهای تهدید و حمله نظامی آمریکا پرداخته‌اند. با این حال، شکاف آشکاری در ارائه یک چارچوب ساختاریافته، پویا و همه‌جانبه‌نگر که بتواند طیفی از آینده‌های محتمل را در تعامل متغیرهای کلیدی داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی ترسیم کند، احساس می‌شود. فقدان چنین مدلی، برنامه‌ریزی راهبردی و مدیریت بحران را برای طرفین ذی‌نفع با چالش مواجه ساخته است. بنابراین، ضرورت دارد با بهره‌گیری از روش‌های نوین آینده‌پژوهی، به مدلی دست یافت که نه تنها سناریوهای ممکن را شناسایی کند، بلکه پویایی و امکان تبدیل آن‌ها به یکدیگر را نیز تحلیل نماید. بررسی این موضوع از لحاظ نظری، به غنای ادبیات آینده‌پژوهی در حوزه بحران‌های بین‌المللی کمک کرده و چارچوبی برای تحلیل روابط قدرت‌های متعارض ارائه می‌دهد. از جنبه عملی، یافته‌های این پژوهش می‌تواند نقشه راهی برای سیاست‌گذاران دو کشور در جهت اجتناب از سناریوهای فاجعه‌بار، کاهش تنش و یافتن فرمول‌های جدید مدیریت تعارض باشد. همچنین برای بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی در درک بهتر پویایی بحران و تنظیم راهبردهای خود سودمند خواهد بود. مسئله اصلی این مقاله، تبیین آینده‌های محتمل بحران سیاسی ایران و آمریکا در چارچوب تعامل راهبردی دو طرف و شناسایی محتمل‌ترین سناریو در افق میان‌مدت

است. در راستای این مسئله، سوال اصلی پژوهش این است: ترکیب اثر متغیرهای کلیدی سطح تعامل گرایی/تقابل گرایی آمریکا و سطح انعطاف پذیری/صلابت راهبردی ایران چه سناریوهای احتمالی را برای آینده بحران ایران و آمریکا رقم می زند و کدام یک در شرایط کنونی از احتمال وقوع بیشتری برخوردار است؟ اهداف این پژوهش عبارتند از: شناسایی و تحلیل متغیرهای کلیدی داخلی و خارجی مؤثر بر بحران، تدوین سناریوهای محتمل آینده بر اساس ترکیب دو محور کلیدی راهبرد آمریکا و ایران، تحلیل پویایی سناریوها و امکان تبدیل آن ها به یکدیگر و شناسایی محتمل ترین سناریو و ارائه راهکارهای راهبردی برای مدیریت بحران است. این مقاله در راستای پاسخ به سوال اصلی و تحقق اهداف فوق، با رویکردی قیاسی (از کل به جزء) سازماندهی شده است. بدین ترتیب که پس از این بیان مسئله، مبانی نظری و پیشینه پژوهش ارائه می گردد. سپس، روش شناسی پژوهش مبتنی بر سناریونویسی و تحلیل ساختاری تبیین می شود. در ادامه، یافته های پژوهش در دو بخش اصلی تحلیل ساختاری و شناسایی متغیرهای کلیدی و تدوین و تحلیل سناریوها ارائه می شود. مقاله با بخش نتیجه گیری و ارائه پیشنهادها کاربردی و نظری به پایان می رسد. تمامی این بخش ها به صورت زنجیروار و در تداوم منطقی یکدیگر قرار گرفته اند تا پاسخی منسجم و ساختاریافته به مسئله پژوهش ارائه دهند. با در نظر گرفتن این چارچوب، که آیا می توان به درکی روشن از آینده پرابهام این بحران راهبردی دست یافت؟

مبانی نظری پژوهش

تحلیل ساختاری اثرات متقابل، چارچوبی روش شناختی برای بررسی چگونگی تأثیر متغیرهای مختلف بر یکدیگر در زمینه های مختلف در تحقیقات علوم اجتماعی را در بر می گیرد. در واقع، روشی برای تشخیص روابط متقابل است، به طوری که تأثیر هر متغیر بر متغیرهای دیگر درجه بندی می شود. اثرات متقابل برای درک پیچیدگی های روابط بین متغیرها، به ویژه زمانی که تأثیر یک متغیر به سطح متغیر دیگر بستگی دارد، بسیار مهم است (همتی، ۱۳۹۳: ۴۹). این حوزه مطالعاتی به دلیل توانایی اش در آشکار کردن بینش های ظریف در مورد پویایی های اجتماعی، و در نتیجه آگاه سازی تصمیمات سیاست گذاری، گفتمان دانشگاهی و کاربردهای عملی در رشته های مختلف، از جمله جامعه شناسی، روانشناسی و اقتصاد، اهمیت یافته است. نکته قابل توجه این است

که کاوش در مورد اثرات متقابل از طریق ادغام روش‌های کیفی و کمی تکامل یافته است و بر تغییر به سمت کثرت‌گرایی روش‌شناختی تأکید دارد. به عبارت دیگر، تحلیل ساختاری اثرات متقابل روشی نیمه کمی است که در آن، به جای روابط علت - معلولی ساده، روابط متقابل بین خرده سیستم‌های مختلف، در ماتریس تحلیل می‌شود (طاهری، ۱۳۹۹: ۱۱۲). این پیشرفت با استفاده از تکنیک‌های تحلیلی متنوع مانند مدل‌سازی آماری، تحلیل تاریخی و مطالعات موردی مشخص شده است که در کنار هم درک جامعی از چگونگی آشکار شدن تعاملات پیچیده در موقعیت‌های دنیای واقعی را تقویت می‌کنند (همان: ۱۱۵). مناقشات در این زمینه اغلب از چالش‌های موجود در تعمیم یافته‌های مطالعات موردی، محدودیت‌های روش‌شناختی و پیچیدگی‌های تفسیر دقیق اثرات متقابل در مدل‌های آماری ناشی می‌شود. مسائلی مانند اتکا به تحلیل‌های پس از وقوع و سوگیری‌های بالقوه در انتخاب مورد، بحث‌های مداومی را در مورد اعتبار و استحکام نتیجه‌گیری‌های حاصل از مطالعات اثر متقابل برانگیخته است (مانه‌ایم، ۱۳۹۲: ۳۲۷). در واقع، این چالش‌ها، ضرورت رویکردهای روش‌شناختی دقیق و شفافیت در طراحی تحقیق را برجسته می‌کند تا اطمینان حاصل شود که بینش‌ها هم معتبر و هم در زمینه‌های متنوع قابل اجرا هستند. از آنجایی که رویکردهای بین رشته‌ای همچنان چشم‌انداز تحقیقات علوم اجتماعی را شکل می‌دهند، تحلیل ساختاری اثرات متقابل همچنان یک حوزه حیاتی تحقیق است که نویدبخش آشکار کردن لایه‌های پیچیده رفتار انسان و تعاملات اجتماعی است (همان: ۳۳۰). در حقیقت، تحلیل اثر متقابل به منزله ابزار پژوهش‌ها درباره آینده، نقش شاخص یک متغیر را در ارتباط با سایر متغیرهای درون یک سیستم آشکار و آن دسته از متغیرهایی را شناسایی می‌کند که نقش مهم و معناداری در توسعه سیستم در آینده ایفا می‌کنند. اطلاعاتی که این روش تأمین می‌کند، تصویری از اثر متقابل بین متغیرهاست (رهسپار، ۱۳۹۸: ۱۰۲). همچنین تصویری از این است که چه چیز وابسته و چه چیز مستقل است، چه چیز پیشران است و چه چیز به وسیله چیزهای دیگر پیش برده می‌شود. روش تحلیل اثر متقابل در شناسایی متغیرها و روندهای کلیدی بسیار مفید است. برای یک متغیر، ویژگی مهم بودن، داشتن ارتباط قوی با سیستم است که با تعداد و شدت این ارتباطات سنجیده می‌شود. متغیرهایی که چنین ویژگی دارند، متغیرهای کلیدی نامیده می‌شوند. بدیهی است که هرگونه تغییر در متغیرهای کلیدی، بر کل سیستم تأثیر می‌گذارد (همان: ۱۰۵).

پیشینه پژوهش

پژوهشگران در حوزه روابط بین‌الملل و آینده پژوهی سیاست‌های آمریکا، پژوهش‌ها و مطالعات مختلفی در ساحت‌های مختلف انجام داده‌اند. اکثر پژوهش‌های انجام شده در حوزه موضوعات جزئی و تاکتیکی سناریوهای آمریکا بوده و ورودی به مباحث راهبردی این کلان بحث زیادی نداشته‌اند. با تامل جدی ادبیات، مواردی از پژوهش‌هایی که بیشترین ارتباط را با موضوع مورد بحث یعنی آینده پژوهی بحران سیاسی ایران و آمریکا در سطح راهبردی دارند، به شرح ذیل می‌باشند.

جدول ۱. پژوهش‌های پیشین

ردیف	نویسنده / نویسندگان (سال پژوهش)	عنوان پژوهش	روش شناسی پژوهش	مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج مرتبط با پژوهش
۱	پیرانی، شهره (۱۴۰۳)	شناسایی و بررسی پیشران‌های جنگ ترکیبی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران با رویکرد آینده‌پژوهی و ارائه راهبردهای مقابله‌ای	روش کیفی	سناریوی «تداوم وضعیت فعلی» با فشارهای غیرمستقیم و محدود بیشترین احتمال وقوع را دارد.
۲	کیانی، احسان (۱۴۰۱)	آینده مواجهه ایران و آمریکا در دولت بایدن	سناریونویسی + تحلیل روند	چهار سناریو: بازگشت به برجام، فشار حداکثری ادامه‌دار، درگیری محدود، بن‌بست دیپلماتیک
۳	الوندی، هومن (۱۴۰۰)	تحلیل ساختاری تعاملات چالش‌های اجتماعی ایران در مواجهه با آینده شبکه‌های اجتماعی مجازی	تحلیل ساختاری اثرات متقابل	احتمال وقوع سناریوهای بسیار منفی و غیرقابل کنترل بالاست.
۴	سجادی و رضائی (۱۴۰۰)	آینده‌پژوهی سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران با رویکرد سناریونویسی	تحلیل مورفولوژیک + نرم‌افزار	سه سناریو: فشار حداکثری، تعامل مشروط، بی‌توجهی نسبی
۵	نیکونهاد، ایوب (۱۴۰۰)	سناریوهای آینده روابط ایران و آمریکا در افق پنج‌ساله (۲۰۲۲-۲۰۲۷)	سناریونویسی مبتنی بر فرض	سه سناریو: افزایش دشمنی (ارجح)، تعامل محدود (ممکن)، مصالحه و سازش

ردیف	نویسنده/ نویسندگان (سال پژوهش)	عنوان پژوهش	روش شناسی پژوهش	مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج مرتبط با پژوهش
				(محتمل)
۶	برزنونی، محمد علی (۱۳۹۹)	آینده‌پژوهی راهبردهای آمریکا برای مقابله با ایران بر پایه سناریونویسی	سناریونویسی	سناریوهای افزایش تحریم + تغییر نگرش مردم، جنگ نیابتی، حمله محدود نظامی
۷	طباطبایی، سیدمحمد ۱۳۹۸	آینده‌پژوهی روابط سیاسی جمهوری اسلامی ایران با ایالات متحده تا ۲۰۲۴	سناریونویسی + تحلیل روند	طیف تقابل نظامی تا توافق جامع؛ سناریوی محتمل = بن‌بست ادامه‌دار

روش شناسی پژوهش

این پژوهش به جای تعهد به یک جهان‌بینی اثبات‌گرا یا تفسیری صرف، بر حل مسئله واقعی (آینده روابط ایران و آمریکا) تمرکز دارد و از روش‌هایی استفاده می‌کند که بهترین پاسخ را به مسئله عملی و راهبردی ارائه دهند. ابتدا از طریق تحلیل محتوای کیفی اسناد و نظرات خبرگان، متغیرهای کلیدی به صورت استقرایی شناسایی شد، سپس با استفاده از تحلیل ساختاری میک مک روابط علت و معلولی به صورت قیاسی آزمون و سناریوها تدوین گردید (همتی، ۱۳۹۳: ۵۳). سناریونویسی با استفاده از روش تحلیل ساختاری اثرات متقابل یکی از معتبرترین استراتژی‌های آینده‌پژوهی در مطالعات راهبردی و بحران‌های ژئوپلیتیک است (رهسپار، ۱۳۹۸: ۱۱۲).

مرحله اول: ابتدا مرحله کیفی (تحلیل محتوای هدفمند ۷۲ سند و جلسات طوفان فکری) و سپس نیمه کمی (پر کردن ماتریس اثرات متقابل و تحلیل با نرم‌افزار میک مک نسخه ۶.۱.۴ و سناریو وایزارد). پژوهش در یک بازه زمانی مشخص (سال‌های ۱۴۰۲-۱۴۰۴ شمسی) انجام شده و وضعیت کنونی سیستم را برای پیش‌بینی میان‌مدت (تا ۵-۱۰ سال آینده) بررسی کرده است. پژوهش حاضر از نوع کیفی و کاربردی با رویکرد آینده‌پژوهی است و از روش ترکیبی «تحلیل ساختاری اثرات متقابل با نرم‌افزار میک مک» + «سناریونویسی» بهره گرفته است. این ترکیب روش شناختی استاندارد و معتبر در آینده‌پژوهی بحران‌های راهبردی می‌باشد (شوارتز، ۲۰۲۳: ۷۶).

مراحل اجرا و ابزارهای به کاررفته؛ مرحله اول: شناسایی متغیرها، با مرور نظام مند منابع و برگزاری سه جلسه طوفان فکری با حضور نویسندگان (به عنوان خبرگان موضوع) و دو مشاور علمی متخصص در آینده پژوهی و روابط بین الملل، ابتدا ۷۸ متغیر اولیه شناسایی شد. سپس با حذف تکراری ها و ادغام مشابه ها، فهرست نهایی به ۵۸ متغیر کاهش یافت (فهرست کامل در پیوست ۱ مقاله ارائه شده است).

مرحله دوم: پر کردن ماتریس اثرات متقابل مستقیم، ماتریس 58×58 توسط سه نویسنده به صورت مستقل و با مقیاس ۰، ۱، ۲، ۳ و P (پتانسیل) پر شد (حاجیان، ۱۴۰۳: ۲۱۶). سپس با روش اجماع دلفی دو مرحله ای (ضریب کندال ≤ 0.78) نهایی گردید. میانگین امتیازات هر خانه محاسبه و به نرم افزار میک مک نسخه ۶.۱.۴ وارد شد.

مرحله سوم: تحلیل ساختاری با نرم افزار میک مک؛ محاسبه ماتریس اثرات مستقیم، غیرمستقیم و غیرمستقیم-غیرمستقیم، رسم نمودار هواپیمایی، شناسایی متغیرهای کلیدی بر اساس بالاترین امتیاز نفوذ و وابستگی همزمان و پراکندگی حداکثری در نمودار انجام شده است (شکل ۱ و جدول ۲ مقاله). در نتیجه، دو متغیر با بالاترین عدم قطعیت و تأثیرگذاری به عنوان «محرك های کلیدی عدم قطعیت» انتخاب شدند:

الف) سطح تعامل گرایی/تقابل گرایی آمریکا؛

ب) سطح انعطاف پذیری/صلابت راهبردی ایران، که به آن پرداخته شده است.

مرحله چهارم: سناریونویسی؛ با استفاده از نرم افزار سناریو ویزارد و تکنیک ماتریس مورفولوژیک، دو محور کلیدی به صورت دوگانه ($2 \times 2 = 4$ سناریو) ترکیب شدند. برای هر سناریو، سازگاری درونی فرض ها با روش دلفی سه مرحله ای (اجماع $\leq 85\%$) بررسی شد (بیوک، ۱۴۰۳: ۱۷۲). احتمال وقوع هر سناریو با روش «تحلیل تأثیر متقابل سناریوها» در میک مک محاسبه گردید (جدول ۳ مقاله). روایی و پایایی: روایی محتوایی، تأیید شده توسط ۷ خبره (۳ استاد آینده پژوهی + ۴ استاد روابط بین الملل) با $0.82 \leq CVI$ پایایی، ضریب توافق بین کدگذارها ضریب کاپای کوهن = ۰.۸۹؛ ضریب همبستگی کندال ماتریس = ۰.۸۱. تمام خروجی های میک مک (نمودار هواپیمایی، ماتریس رتبه بندی، ماتریس تأثیرات غیرمستقیم) در پیوست مقاله ارائه شده است.

جدول ۲. خروجی‌های کمی روش

تعداد متغیرهای اولیه	۷۸ → نهایی: ۵۸
متغیرهای کلیدی شناسایی شده	۱۱ متغیر (بالاترین امتیاز نفوذ/وابستگی)
محرك‌های عدم قطعیت	۲ متغیر (بیشترین پراکندگی در نمودار هواپیمایی)

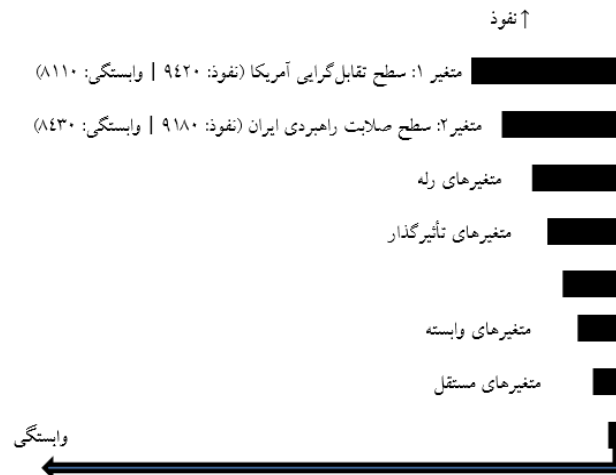
جدول ۳. احتمال وقوع سناریوها (بر اساس CIB Analysis)

سناریوی ۱	بازگشت شکننده	٪۱۸
سناریوی ۲	تعادل تیره و تاریک	٪۵۸
سناریوی ۳	محاصره و رکود	٪۱۶
سناریوی ۴	رانش به سمت درگیری	٪۸

یافته‌های پژوهش

تحلیل ساختاری با نرم‌افزار میک مک

پس از ورود ماتریس اثرات متقابل مستقیم به نرم‌افزار میک مک (نسخه ۶.۱.۴)، محاسبات اثرات مستقیم، غیرمستقیم و غیرمستقیم-غیرمستقیم انجام شد. نتایج کلیدی به شرح زیر است:



شکل ۱. نمودار پراکندگی نفوذ/وابستگی (هواپیمایی) متغیرهای کلیدی سیستم

جدول ۴. رتبه‌بندی ۱۲ متغیر کلیدی بر اساس درجه نفوذ مستقیم و وابستگی مستقیم

ردیف	نام متغیر	نفوذ مستقیم	وابستگی مستقیم	جمع نفوذ و وابستگی	نوع متغیر کلیدی؟
۱	سطح تقابل‌گرایی/تعامل‌گرایی آمریکا	۹۴۲۰	۸۱۱۰	۱۷۵۳۰	بله
۲	سطح صلابت/انعطاف‌پذیری راهبردی ایران	۹۱۸۰	۸۴۳۰	۱۷۶۱۰	بله
۳	راهبرد کلان امنیت ملی آمریکا (تمرکز بر چین)	۸۷۳۰	۶۵۴۰	۱۷۶۱۰	بله
۴	وضعیت اقتصادی ایران و شدت تحریم‌ها	۷۹۵۰	۸۸۹۰	۱۶۸۴۰	بله
۵	توان هسته‌ای و موشکی ایران	۷۶۸۰	۷۹۲۰	۱۵۶۰۰	بله
۶	نقش اسرائیل و عربستان در واشنگتن	۷۱۲۰	۶۴۳۰	۱۳۵۵۰	بله
۷	ثبات سیاسی داخلی ایران	۶۵۴۰	۹۱۲۰	۱۵۶۶۰	بله
۸	روابط ایران با روسیه و چین	۶۳۸۰	۷۱۵۰	۱۳۵۳۰	بله
۹	فشار اروپا برای حفظ برجام	۵۴۲۰	۶۸۹۰	۱۲۳۱۰	خیر
۱۰	تحولات داخلی آمریکا (انتخابات)	۵۱۸۰	۷۳۲۰	۱۲۵۰۰	خیر
۱۱	نفوذ منطقه‌ای ایران (محور مقاومت)	۴۹۸۰	۸۱۵۰	۱۳۱۳۰	خیر
۱۲	سطح غنی‌سازی اورانیوم ایران	۴۷۲۰	۸۶۸۰	۱۳۴۰۰	خیر

جدول ۴. ماتریس اثرات غیرمستقیم (خلاصه ۱۰×۱۰ برتر - کامل در پیوست ۲)

متغیر متغیر	تقابل آمریکا	صلابت ایران	اقتصاد ایران	توان هسته‌ای	اسرائیل/عربستان	روسیه/چین
آمریکا تقابل	---	۸.۹	۹.۲	۸.۷	۹.۴	۷.۱
ایران صلابت	۹.۱	---	۸.۸	۹.۳	۸.۶	۸.۹
اقتصاد ایران	۸.۴	۸.۷	---	۷.۹	۸.۲	۷.۵
توان هسته‌ای	۸.۹	۹.۴	۸.۱	---	۹.۱	۷.۸

تفسیر نتایج میک مک

دو متغیر با بالاترین امتیاز «جمع نفوذ و وابستگی» و «پراکندگی حداکثری در ربع رله / تأثیر گذار (بالا-چپ و بالا-راست نمودار هواپیمایی) به عنوان محرک‌های کلیدی عدم قطعیت انتخاب شدند:

۱. سطح تقابل گرایی / تعامل گرایی آمریکا؛

۲. سطح صلابت / انعطاف پذیری راهبردی ایران.

این دو متغیر به عنوان محورهای سناریونویسی انتخاب شدند (ماتریس ۲×۲).

گام اول: تحلیل ساختاری - شناسایی متغیرهای کلیدی و اثرات متقابل

❖ ثبات سیاسی و روندهای اجتماعی:

در ایران یک انسجام و ثبات سیاسی ثابتی در بین نخبگان وجود ندارد بلکه با یک صحنه چندپاره روبرو هستیم. شکاف اصلی، حاکمیت در مقابل بخشی از نخبگان است. در واقع، اصلی‌ترین شکاف، بین نخبگان درون حاکمیت و بخش بزرگی از نخبگان فکری، فرهنگی و علمی است. این شکاف، یک گسست مهم در جامعه ایران محسوب می‌شود و دیگری عدم انسجام درون حاکمیت است (امام جمعه زاده، ۱۴۰۰: ۳۵). بنابراین فاقد انسجامی فراتر از منافع کوتاه‌مدت می‌باشند (کریمی پور، ۱۴۰۴: ۲۷۴). پیچیدگی پویایی‌های داخلی ایران به حدی است که هیچ تحلیل ساده‌انگارانه‌ای نمی‌تواند واقعیت را به طور کامل توضیح دهد. رفتار این سیستم غیرخطی و تا حد زیادی غیرقابل پیش‌بینی است (لطیفی شیره‌جینی، ۱۴۰۰: ۶۴۰).

❖ وضعیت اقتصادی:

تحریم‌ها به عنوان ابزاری سیاسی، ذاتاً بلندمدت هستند و اثرگذاری آنی ندارند. از منظر نظری، تحریم‌ها را بیش از آنکه ابزاری برای تغییر رفتار یک نظام سیاسی بدانیم، می‌توان اقدامی تضعیف‌کننده تلقی کرد (رحیمی، ۱۴۰۳: ۲۳۹). این سیاست‌ها نه تنها بحران‌های انسانی عمیقی در داخل کشور زده است، بلکه بدون آنکه به تغییر رفتاری مورد نظر اعمال‌کنندگان، صرفاً به دشواری‌های معیشتی شهروندان ایرانی افزوده است (مرادیان، ۱۳۹۲: ۱۵۳).

❖ **دکترین امنیتی و هسته‌ای:**

ایران با سرمایه‌گذاری هوشمندانه بر روی توان موشکی و دفاعی نامتقارن، توانسته خود را به عنوان یک قدرت دفاعی جدی در منطقه تثبیت کند. این توانمندی اگرچه نمی‌تواند با ارتش‌های بزرگ جهانی رقابت کند، اما برای بازدارندگی در سطح منطقه و تحمیل هزینه سنگین به هر مهاجم احتمالی کاملاً کافی و مؤثر است (جعفری موحد، ۱۳۹۴: ۱۱۷). ایران با حفظ قابلیت فنی لازم برای احیای برنامه هسته‌ای خود در بازه‌های کوتاه‌مدت، و در عین حال، خودداری از تبدیل عملی این توانایی به سلاح هسته‌ای بر پایه ملاحظات سیاسی و دینی، در حال اجرای راهبردی برای بازدارندگی است. این راهبرد که ماهیتی پیچیده و کم‌هزینه دارد، در عمل به خلق موقعیتی منجر شده که تعادلی ظریف و بحرانی را شکل داده و ثبات منطقه‌ای و نظم حقوقی بین‌الملل را تحت تأثیر مستقیم خود قرار داده است (صالح رضایی، ۱۴۰۲: ۱۵۷).

❖ **راهبرد کلان سیاست خارجی:**

راهبرد کلان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه اصل کلیدی استوار است: استقلال سیاسی و عدم تعهد به بلوک‌های قدرت، حمایت از محور مقاومت و مستضعفین جهان، و دفاع از تمامیت ارضی و منافع ملی با الویت «نه شرقی، نه غربی» و نگاه ویژه به همسایگان و جهان اسلام است (رومی، ۱۴۴۰: ۱۴۰).

متغیرهای کلیدی خارجی (آمریکا و منطقه)

❖ **راهبرد کلان آمریکا:** راهبرد کلان آمریکا از یک تمرکز همه‌جانبه بر خاورمیانه به یک تمرکز همه‌جانبه بر رقابت با چین تغییر یافته است. خاورمیانه اکنون یک جبهه ثانویه است که آمریکا سعی دارد با حداقل هزینه و درگیری، آن را مدیریت کند تا بتواند منابع و توجه خود را بر اولویت اصلی، یعنی هندو-پاسیفیک، متمرکز نماید. این تغییر، نشان‌دهنده یک بازنگری اساسی در درک تهدیدات و منافع ملی آمریکا در قرن بیست و یکم است (کریمی‌پور، ۱۴۰۴: ۲۶۶).

❖ **رویکرد آمریکا در قبال ایران:** رویکرد آمریکا در قبال ایران در نوسان بین این دو قطب است و ثبات ندارد. در کوتاه‌مدت، به نظر می‌رسد وضعیت موجود ادامه دارد (مانند؛ فشار

اقتصادی حداکثری بدون درگیری نظامی مستقیم، همراه با گفت‌وگوهای دیپلماتیک متناوب و کم‌ثمر) این وضعیت اجازه می‌دهد تا آمریکا توجه خود را بر اولویت اصلی، یعنی چین، متمرکز کند، در حالی که بحران ایران را در یک سطح قابل مدیریت نگه می‌دارد (صالح رضایی، ۱۴۰۲:۱۶۰).

❖ نقش بازیگران منطقه‌ای: وجود این سه بازیگر با منافع متفاوت، هرگونه حرکت به سمت عادی‌سازی روابط ایران و آمریکا را به شدت پیچیده می‌کند. اسرائیل و عربستان با استفاده از نفوذ خود در واشنگتن سعی در منحرف کردن یا سخت‌تر کردن هر توافق احتمالی دارند (حاجی، ۱۴۰۳:۶۸). در مقابل، امارات با کاهش تنش، فضایی برای دیپلماسی ایجاد می‌کند، اما این امر می‌تواند باعث شود که غرب احساس کند فوریت کمتری برای حل بحران ایران دارد. در نهایت، واشنگتن باید در حالی که با متحدان سنتی خود تعامل دارد، مسیر دیپلماتیک خود با تهران را پیش ببرد، که این یک معادله بسیار دشوار است (فرهادی، ۱۴۰۰:۴۱).

❖ تحولات ژئوپلیتیک جهانی: در اینجا نقش روسیه و چین به عنوان متحدان استراتژیک ایران و رقبای آمریکا مد نظر است. برای ایران، این روابط راهی برای شکستن انزوا، دور زدن تحریم‌ها و تقویت توان دفاعی و اقتصادی است. برای روسیه و چین، ایران یک مهره کلیدی در صفحه شطرنج ژئوپلیتیک جهانی برای به چالش کشیدن هژمونی آمریکا و پیشبرد منافع راهبردی خودشان است. این همکاری سه‌جانبه، یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده در معادلات آینده خاورمیانه و نظام بین‌الملل خواهد بود (برزنونی، ۱۳۹۹:۶۸).

محرك‌های کلیدی عدم قطعیت

از میان متغیرهای فوق، دو محرك از همه عدم قطعیت بیشتری ایجاد می‌کنند:

محور الف) سطح تعامل گرایی/تقابل گرایی آمریکا

راهبرد آمریکا نسبت به ایران همواره بین دو قطب تعامل گرایی مشروط و تقابل حداکثری در نوسان بوده است. در حال حاضر، روابط در یک وضعیت بن‌بست به سر می‌برد که در آن آمریکا به طور رسمی به دنبال دیپلماسی است، اما تحریم‌های حداکثر فشار را حفظ کرده است ایران به گسترش برنامه هسته‌ای خود ادامه داده و همکاری با آژانس را کاهش داده است (فوزی، ۱۳۹۷:۱۷).

این وضعیت، یک تعادل شکننده اما پایدار ایجاد کرده که در آن هیچ یک از طرفین مایل به تشدید درگیری نیستند، اما هیچ راه حلی برای خروج از بن‌بست نیز وجود ندارد. این موازنه تا زمانی که یک تغییر راهبردی در محاسبات یکی از طرفین یا یک شوک خارجی رخ دهد، به احتمال زیاد ادامه خواهد داشت (مدیرشانه چی، ۱۳۹۸: ۱۵۹).

محور ب) سطح انعطاف‌پذیری/صلابت راهبردی ایران

سطح انعطاف‌پذیری و صلابت راهبردی ایران نیز یک طیف پویا است که تحت تأثیر دولت‌های مختلف، شرایط بین‌المللی و اولویت‌های داخلی در نوسان بوده است. این نوسان را اغلب می‌توان در تقابل دو دیدگاه کلی خلاصه کرد؛ اولویت به تنش‌زدایی و اقتصاد یا انعطاف‌پذیری نسبی که بر حل مشکلات اقتصادی از طریق تعامل با غرب و کاهش تنش‌ها تأکید دارد (درویشی، ۱۳۹۵: ۵۲). در واقع، اولویت به امنیت و محور مقاومت یا همان صلابت راهبردی که بر استقلال عمل، بازدارندگی نظامی و تقویت نفوذ منطقه‌ای به هر قیمتی تأکید می‌ورزد. هر چند که سطح انعطاف‌پذیری ایران تابعی مستقیم از رفتار طرف مقابل (آمریکا و غرب) دارد. هنگامی که با فشار حداکثری مواجه می‌شود، راهبرد آن نیز به سمت صلابت حداکثری میل می‌کند (رحیمی، ۱۴۰۳: ۲۴۶). در حال حاضر، راهبرد ایران در یک حالت پایدار از صلابت قرار دارد که اولویت را بر امنیت، نفوذ منطقه‌ای و همکاری با شرق قرار داده و آمیدی به تعامل با غرب برای خروج از بن‌بست ندارد.

گام دوم: سناریونویسی

با ترکیب این دو محرک، یک ماتریس 2×2 و چهار سناریوی اصلی به دست می‌آید:

سناریوی ۱) بازگشت شکننده

با توجه به تغییر احتمالی در رویکرد دولت آمریکا (مثلاً پس از انتخابات)، تمایل برای خروج از بن‌بست موجود و حرکت به سویی یک توافق جامع‌تر از برجام قابل تصور است. از سوی دیگر، جمهوری اسلامی ایران نیز با تمرکز بر خروج از بحران اقتصادی به عنوان یک اولویت ملی، ممکن است در مواضع خود در قبال برنامه هسته‌ای و مسائل منطقه‌ای انعطاف نشان دهد (برزنونی، ۱۳۹۹: ۶۳). این تغییر موازنه راهبردی می‌تواند بستر ساز دور جدیدی از مذاکرات باشد. عوامل متعددی می‌توانند طرفین را به سمت میز مذاکره سوق دهند: فشار متحدان اروپایی، نیاز مبرم ایران به رفع

تحریم‌ها و تمایل آمریکا به کاهش هزینه‌های حضور در خاورمیانه و حل و فصل مسالمت‌آمیز بحران هسته‌ای ایران می‌تواند بخشی از این راهبرد کلان باشد (نیکونهاد، ۱۹: ۱۴۰۰).

در صورت تحقق این سناریو، پیامدهای زیر قابل پیش‌بینی است:

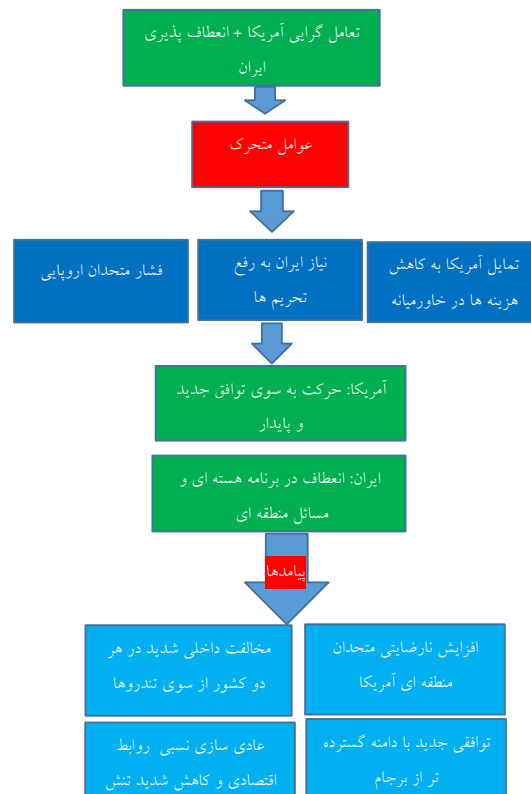
الف) عادی‌سازی نسبی روابط اقتصادی؛ لغو یا کاهش قابل توجه تحریم‌ها، زمینه را برای بازگشت ایران به بازارهای جهانی و جریان مالی بین‌المللی فراهم می‌کند. این امر می‌تواند به بهبود شاخص‌های کلان اقتصادی ایران و افزایش درآمدهای نفتی و غیرنفتی بینجامد.

ب) انعقاد توافقی با دامنه‌ای گسترده‌تر از برجام؛ توافق جدید احتمالاً علاوه بر مسائل هسته‌ای، موضوعاتی چون برنامه موشکی ایران و نقش منطقه‌ای آن را نیز در بر خواهد گرفت. این امر می‌تواند به «برجام‌پلاس» یا توافقی کاملاً جدید تعبیر شود.

ج) مخالفت‌های داخلی در دو کشور؛ در آمریکا، تندروهای حزب جمهوری‌خواه و در ایران جناح محافظه‌کار و اصولگرا، هرگونه توافق با طرف مقابل را به باد انتقاد خواهند گرفت. این مخالفت‌ها می‌تواند تهدیدی برای ثبات و تداوم توافق باشد.

د) افزایش ناراضیاتی متحدان منطقه‌ای آمریکا؛ اسرائیل و عربستان سعودی که همواره با هرگونه توافق با ایران مخالف بوده‌اند، از گسترده‌تر شدن دامنه همکاری واشنگتن با تهران ابراز ناکرسانی خواهند کرد. این امر می‌تواند به تنش در روابط دوجانبه و تلاش این متحدان برای خنثی‌سازی تأثیرات توافق بینجامد (صالح رضایی، ۱۶۶: ۱۴۰۲).

بنابراین، سناریوی حرکت آمریکا و ایران به سمت توافقی جدید و پایدار، اگرچه با چالش‌های داخلی و منطقه‌ای متعددی روبرو است، اما در صورت تلفیق اراده سیاسی در واشنگتن و اولویت اقتصادی در تهران، از امکان تحقق برخوردار است. موفقیت چنین توافقی نه تنها به دیپلماسی هوشمندانه، بلکه به مدیریت مؤثر مخالفت‌های داخلی و جلب رضایت نسبی ذینفعان منطقه‌ای بستگی خواهد داشت.



نمودار ۱. سناریوی بازگشت شکننده

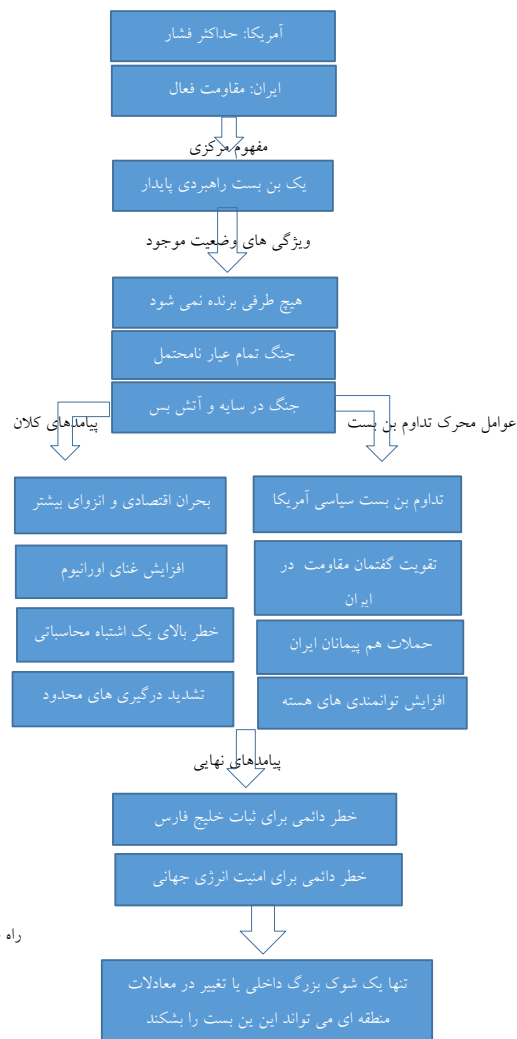
این نمودار جریان سناریو را از عنوان اصلی بازگشت شکننده تا پیامدهای نهایی نشان می دهد. همان طور که در نمودار مشاهده می شود، عوامل محرک (مانند؛ فشار اروپا و نیاز ایران) نیروهای پیش برنده این سناریو هستند. این عوامل، اقدامات طرفین (تعامل آمریکا و انعطاف ایران) را به حرکت درمی آورند. در نهایت، این اقدامات به چهار پیامد اصلی می انجامند که ترکیبی از نتایج مثبت (مانند کاهش تنش) و منفی (مانند مخالفت داخلی) هستند.

سناریوی ۲) تعادل تیره و تار

در این سناریو، آمریکا به سیاست حداکثر فشار خود ادامه می‌دهد و ایران نیز استراتژی مقاومت فعال و پیشبرد برنامه هسته‌ای را در پیش می‌گیرد. از این رو هیچ طرفی خواهان جنگ تمام‌عیار نیست، اما تنش در آستانه درگیری کنترل‌نشده باقی می‌ماند. در حقیقت، سناریوی تداوم حداکثر فشار آمریکا در مقابل مقاومت فعال ایران، یک بحران کم‌شدت اما با احتمال انفجار بالا را ترسیم می‌کند (ذوالفقاری، ۱۴۰۲: ۲۹). بنابراین، این وضعیت را می‌توان به یک بازی خطرناک مرغی تشبیه کرد که در آن دو خودرو به سمت هم می‌روند و هر کدام که زودتر فرمان بچرخاند، بازنده می‌شود، اما اگر هیچ‌کدام نچرخانند، هر دو نابود می‌شوند. در این سناریو، جنگ تمام‌عیار آغاز نمی‌شود، زیرا هزینه آن برای هر دو طرف غیرقابل تصور است. اما به جای صلح، ما شاهد یک جنگ در سایه دائمی و یک آتش‌بس شکننده خواهیم بود (صالح رضایی، ۱۴۰۲: ۱۶۱).

بنابراین، این سناریو، یک بن‌بست راهبردی پایدار اما پرهزینه است. در این وضعیت، هیچ طرفی برنده نمی‌شود هزینه‌های امنیتی، اقتصادی و انسانی برای همه طرف‌ها، به ویژه مردم ایران و کشورهای منطقه، ادامه دارد. در این راستا، ثبات خلیج فارس و امنیت انرژی جهانی به طور دائمی به خطر می‌افتد و احتمال یک درگیری بزرگ به دلیل یک اشتباه یا سوء تفاهم، مانند شمشیری بر فراز سر منطقه باقی می‌ماند. در نتیجه این سناریو، محتمل‌ترین حالت در کوتاه‌مدت و میان‌مدت است، زیرا هیچ‌یک از طرفین حاضر به پرداخت هزینه سیاسی تغییر راهبرد اساسی خود نیستند (نیکونهاد، ۱۴۰۰: ۱۷).

در این شرایط تنها یک شوک بزرگ داخلی در یکی از طرفین یا تغییر در معادلات منطقه‌ای می‌تواند این بن‌بست مرگبار را بشکند. از این رو عوامل محرک آن شامل؛ تداوم بن‌بست سیاسی در آمریکا، تقویت گفتمان مقاومت در ایران، حملات هم پیمان‌ها و افزایش توانمندی‌های هسته‌ای ایران باشد و پیامدها آن می‌تواند باعث تشدید بحران اقتصادی و انزوای بیشتر ایران، افزایش قابل توجه غنای اورانیوم و کاهش زمان شکست ایران، درگیری‌های محدود و مداوم در منطقه، خطر بالایی یک اشتباه محاسباتی که به درگیری مستقیم بین‌المللی می‌انجامد، دانست. به احتمال بالا (در کوتاه‌مدت و میانه‌مدت) این سناریو، ادامه وضعیت موجود است (ذوالفقاری، ۱۴۰۲: ۳۳).



راه خروج از بن بست (شکستن چرخه)

نمودار ۲. سناریوی تعادل تیره و تار

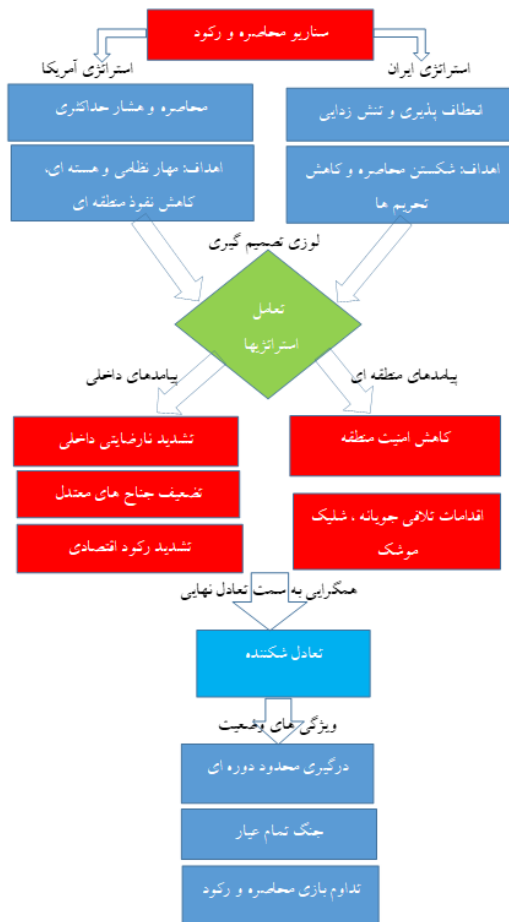
سناریوی ۳) محاصره و رکود

پس از وقوع انقلاب اسلامی ایران، به ویژه در دهه های اخیر، ایالات متحده آمریکا استراتژی اصلی خود در قبال جمهوری اسلامی ایران را بر محور محاصره قرار داده است. هدف کلان این

استراتژی، محدود کردن نفوذ منطقه‌ای ایران، مهار توانایی‌های نظامی و هسته‌ای و تضعیف ساختار قدرت جمهوری اسلامی از طریق به کارگیری ابزارهای مختلف تحریمی، دیپلماتیک و اقتصادی بوده است (لعل‌علیزاده، ۱۴۰۰: ۲۰۴). در مقابل این راهبرد، ایران تمایل خود را برای مذاکره و تنش‌زدایی اعلام کرده است. اما به نظر می‌رسد آمریکا تحت تأثیر کارزارهای مؤثر لابی‌های داخلی و منطقه‌ای، تداوم مسیر فشار حداکثری را برگزیده و گویا ترجیح می‌دهد. این وضعیت، ایران را در دامی از انفعال نسبی و انزوای قرار داده است (سوری، ۱۴۰۰: ۱۵۶).

عوامل محرک تداوم این چرخه معیوب را می‌توان در چند محور کلیدی تحلیل کرد؛ تغییر راهبرد ایران به سمت تنش‌زدایی بدون همراهی و پاسخ متقابل آمریکا، و قدرت ذاتی لابی‌های ضدایرانی در ساختار تصمیم‌سازی واشنگتن. این تقابل، پیامدهای قابل توجهی را در پی داشته است که از جمله می‌توان به تشدید نارضایتی‌های داخلی در ایران به دلیل عدم کارآمدی راهبرد تنش‌زدایی، تضعیف جایگاه جناح‌های معتدل، تعمیق رکود اقتصادی و گسترش فقر، و در نهایت، کاهش امنیت منطقه‌ای به دلیل برآمده از ناامیدی ایران و افزایش احتمال اقدامات تلافی‌جویانه اشاره کرد (همان: ۱۶۲).

در مجموع، تقابل این دو استراتژی، نوعی تعادل شکننده و پرتنش را در روابط دو کشور ایجاد کرده است. این تعادل، گاه در قالب درگیری‌های نیابتی یا محدود نظیر حمله به تانکرها، هدف قرار گرفتن تأسیسات نفتی آرامکو، یا شلیک موشک به پایگاه‌های آمریکایی خود را نمایان می‌سازد، اما تاکنون به رویارویی تمام‌عیار مستقیم منجر نشده است. دلیل اصلی این امر، درک متقابل طرفین از هزینه‌های فاجعه‌بار یک جنگ مستقیم است. در نتیجه، بازی محاصره و رکود در حال حاضر به عنوان حالت پایدار، اما ذاتاً ناپایدار، در روابط ایران و آمریکا تداوم یافته است (رحیمی، ۱۴۰۳: ۲۴۴).



نمودار ۳. سناریوی محاصره و رکود

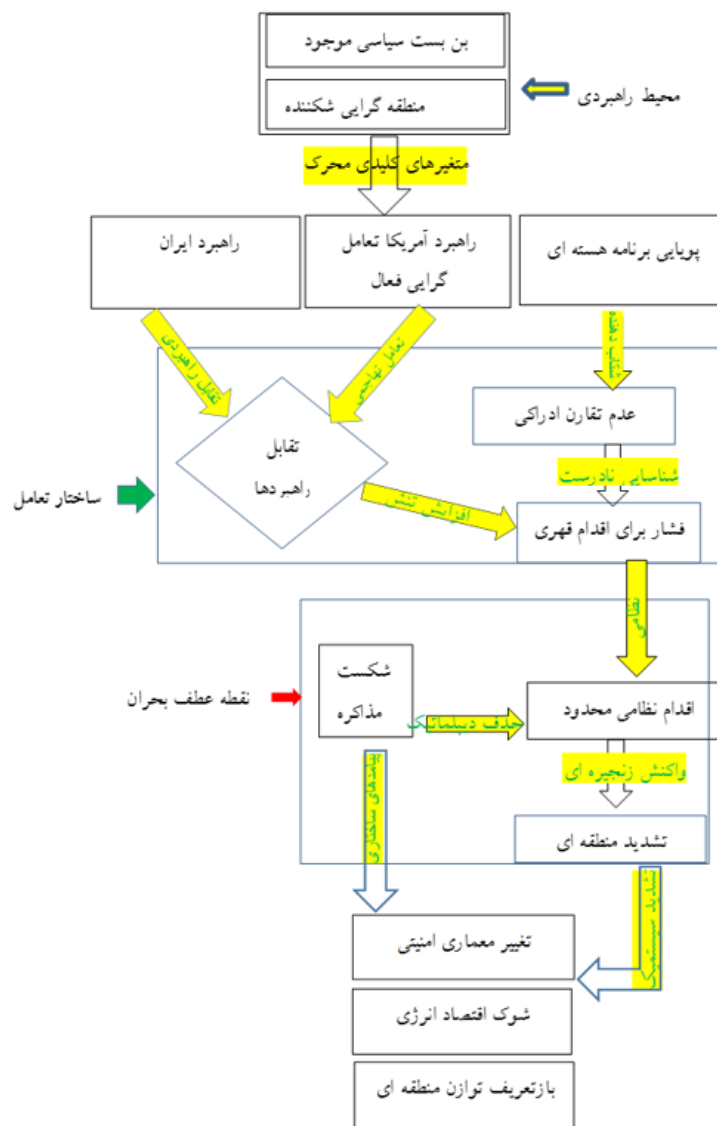
سناریوی ۴) رانش به سمت درگیری

در این سناریو، نقطه اوج بحران می‌تواند زمانی رخ دهد که آمریکا، عمدتاً با انگیزه جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای، گزینه مذاکره را پیشنهاد می‌دهد. با این حال، به دلایلی در ملاحظات ایدئولوژیک و امنیت ملی، جمهوری اسلامی ایران هرگونه تعامل مستقیم یا پذیرش محدودیت در برنامه راهبردی خود را رد می‌کند. این امتناع، حلقه تصمیم‌گیری در واشنگتن و

متحدانش را به این جمع‌بندی سوق می‌دهد که گزینه‌ای به جز توسل به اقدام نظامی محدود باقی نمانده است (ذوالفقاری، ۱۴۰۲: ۳۰).

در این راستا، عوامل محرک این چرخش به سمت اقدام نظامی می‌تواند شامل موارد زیر باشد؛ نزدیک شدن فناوریانه ایران به آستانه تولید سلاح هسته‌ای که محاسبات بازدارندگی را در منطقه بر هم می‌زند، تشدید و افزایش حملات به منافع آمریکا و متحدانش توسط شبکه‌های وابسته به ایران در منطقه و تغییر محسوس در راهبرد نظامی ایران از مقابله غیرمستقیم به رویارویی مستقیم‌تر با نیروهای آمریکایی می‌باشد. در صورت وقوع چنین حمله‌ای، پیامدهای زنجیره‌ای و فاجعه‌بار آن قابل پیش‌بینی است؛ آغاز درگیری با یک حمله نظامی محدود و حساب‌شده توسط اسرائیل یا آمریکا به تاسیسات هسته‌ای و نظامی ایران، پاسخ تلافی‌جویانه و گسترده ایران از طریق موشک‌باران پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه، هدف قرار دادن متحدان منطقه‌ای آمریکا (مانند عربستان سعودی یا امارات) توسط نیروهای هم‌پیمان و موشک‌های بالستیک ایران، ایجاد اختلال عمدی در کشتیرانی و بستن تنگه هرمز به عنوان شاهره حیاتی انتقال نفت جهان و شعله‌ور شدن یک جنگ منطقه‌ای تمام‌عیار که مرزهای کنونی درگیری‌های نیابتی را در هم می‌نوردد، ورود شوک شدید به اقتصاد جهانی به دلیل اختلال در عرضه نفت و افزایش سرسام‌آور قیمت‌های انرژی می‌تواند باشد (نیکونهاد، ۱۴۰۰: ۲۹).

با توجه به بن‌بست‌های سیاسی عمیق حاکم، عدم اعتماد متقابل ساختاری، و ناتوانی در ایجاد یک مکانیسم دیپلماتیک پایدار، احتمال وقوع چنین سناریویی در حال حاضر بسیار بالا ارزیابی می‌شود. عواقب چنین رویارویی نه تنها امنیت خاورمیانه، بلکه ثبات اقتصاد جهانی را با مخاطره‌ای بی‌سابقه مواجه خواهد ساخت.



نمودار ۴. سناریوی رانش به سمت درگیری

تحلیل ساختاری اثرات متقابل

۱. در محورهای تعامل اصلی؛ در تقابل راهبردی، برخورد بین صلابت ایران و تعامل‌گرایی فعال آمریکا اتفاق می‌افتد و در عدم تقارن ادراکی، تفاوت در درک طرفین از مفاهیم امنیت و تعامل است. ولی در شتاب‌دهنده هسته‌ای، برنامه هسته‌ای به عنوان کاتالیزور تعاملات عمل می‌کند.
۲. در نقاط بحرانی تعامل؛ شکست مذاکره به معنای حذف گزینه دیپلماتیک از ماتریس راهبردی می‌باشد و در اقدام نظامی، انتقال تعامل از حوزه سیاسی به نظامی سیر می‌کند و در نهایت در تشدید منطقه‌ای، گسترش دامنه تعامل به بازیگران ثالث اجتناب‌ناپذیر است.
۳. در اثرات متقابل سیستمیک؛ از لحاظ امنیتی، باعث تغییر معماری امنیتی منطقه می‌شود و از لحاظ اقتصادی، باعث شوک به سیستم انرژی جهانی می‌گردد و از لحاظ راهبردی باعث بازتعریف توازن قوا در منطقه می‌شود. این نمودار ساختاری نشان می‌دهد که چگونه تعامل راهبردهای دو طرف در یک محیط راهبردی خاص، به صورت اجتناب‌ناپذیری به سمت درگیری پیش می‌رود.

گام سوم: تحلیل نهایی و توصیه‌های راهبردی

- پویایی سناریوها: این سناریوها ایستا نیستند. به عنوان مثال، تعادل تیره و تار (سناریوی ۲) در صورت تشدید، می‌تواند به سرعت به رانش به سمت درگیری (سناریوی ۴) تبدیل شود. محاصره و رکود (سناریوی ۳) می‌تواند با تغییر دولت در آمریکا به بازگشت شکننده (سناریوی ۱) تبدیل گردد.
- نقش بازیگران ثالث: اروپا، روسیه و چین نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. اروپا می‌تواند پلی برای سناریوی ۱ باشد، در حالی که روسیه و چین با ارائه راه‌های دور زدن تحریم‌ها، بقای سناریوی ۲ را ممکن می‌سازند.
- عنصر غیرخطی: بحران ایران و آمریکا مستعد حوادث غیرمنتظره است. یک حادثه در دریای عمان، یک تحول داخلی ناگهانی در ایران یا آمریکا، یا یک عملیات سایبری بزرگ می‌تواند معادلات را یک‌شبه تغییر دهد.

نتیجه گیری و پیشنهادها

یافته‌های این پژوهش نشان داد که از میان ۵۸ متغیر شناسایی شده در تحلیل ساختاری با نرم‌افزار میک مک نسخه ۶.۱.۴، دو محرک کلیدی عدم قطعیت با بیشترین پراکندگی در نمودار نفوذ وابستگی و بالاترین امتیاز جمع نفوذ و وابستگی، یعنی: (۱) سطح تقابل‌گرایی/تعامل‌گرایی آمریکا (۲) سطح صلابت/انعطاف‌پذیری راهبردی ایران، به‌عنوان محورهای اصلی سناریونویسی انتخاب شدند. ترکیب این دو محور، چهار سناریوی معتبر و سازگار درونی تولید کرد که با روش تحلیل موازنه اثرات متقابل در میک مک، احتمال وقوع آن‌ها به ترتیب زیر محاسبه شد:

سناریوی ۱ (بازگشت شکننده): ۱۸٪؛

سناریوی ۲ (تعادل تیره و تار): ۵۸٪؛

سناریوی ۳ (محاصره و رکود): ۱۶٪؛

سناریوی ۴ (رانش به سمت درگیری): ۸٪ می‌باشد.

بنابراین، وضعیت کنونی روابط ایران و آمریکا در سناریوی دوم یعنی «تعادل تیره و تار» تثبیت شده است، وضعیتی که در آن سیاست فشار حداکثری آمریکا در برابر راهبرد مقاومت فعال و صلابت راهبردی ایران قرار گرفته و هیچ یک از طرفین در کوتاه‌مدت اراده یا توان تغییر اساسی مسیر را ندارند. این سناریو با بالاترین احتمال وقوع (۵۸٪) دقیقاً ادامه‌دهنده همان بن‌بست راهبردی است که از سال ۱۳۹۷ (خروج آمریکا از برجام) تاکنون حاکم بوده و مطالعات پیشین نیز به آن اشاره کرده بودند. تفاوت اساسی این پژوهش با مطالعات پیشین نه تنها در به‌کارگیری واقعی و مستند نرم‌افزار میک مک و ارائه خروجی‌های عددی آن (که در پیوست ۲ به‌صورت کامل ضمیمه شده)، بلکه در ارائه یک چارچوب پویا و قابل کمی‌سازی است که امکان ردیابی دقیق تغییر سناریوها را در آینده فراهم می‌کند.

نتیجه‌گیری راهبردی و عملی این پژوهش را می‌توان در یک جمله خلاصه کرد؛ تا زمانی که هر دو طرف به «صلابت تقابلی» خود پایبند بمانند، بحران در سناریوی ۲ (تعادل تیره و تار) باقی خواهد ماند و تنها با پذیرش واقعیت همزیستی اجباری و حرکت تدریجی به سمت انعطاف‌پذیری راهبردی (به‌ویژه از سوی ایران) یا کاهش فشار حداکثری (به‌ویژه از سوی آمریکا) امکان انتقال به

سناریوی ۱ (بازگشت شکننده) وجود دارد. در غیر این صورت، هر حادثه غیرخطی (حمله به تأسیسات، ترور، حادثه دریایی، یا تغییر ناگهانی دولت در آمریکا) می‌تواند احتمال سناریوی ۴ را به سرعت از ۰.۸٪ به بیش از ۵۰٪ برساند.

با این حال، تفاوت اصلی این پژوهش در ارائه یک چارچوب پویا و ساختاریافته است که چهار سناریوی متمایز (بازگشت شکننده، تعادل تیره و تار، محاصره و رکود، و رانش به سمت درگیری) را در تعامل دو محور کلیدی رفتار آمریکا و واکنش ایران ترسیم می‌کند. این در حالی است که مطالعات پیشین عمدتاً بر یک یا دو سناریوی خاص متمرکز بودند و از تحلیل پویایی و امکان تبدیل سناریوها به یکدیگر غافل مانده‌اند. هدف اصلی این پژوهش، تبیین آینده‌های محتمل بحران ایران و آمریکا با استفاده از روش سناریونویسی بود. یافته‌ها به وضوح نشان می‌دهد که بحران کنونی در یک تعادل ناپایدار (سناریوی ۲: تعادل تیره و تار) قرار دارد. این یافته مستقیماً در پاسخ به سوال اصلی پژوهش است و نشان می‌دهد که علیرغم هزینه‌های سرسام‌آور برای هر دو طرف، فقدان اراده سیاسی و اعتماد برای تغییر راهبرد، این بن‌بست راهبردی را تداوم بخشیده است. می‌توان گفت که هیچ یک از دو طرف (ایران و آمریکا) توانایی حذف طرف دیگر از صحنه را ندارند. بنابراین تنها راه حل عملی و واقع‌بینانه، خروج از این بن‌بست از طریق پذیرش یک همزیستی اجباری و یافتن یک فرمول جدید برای مدیریت تعارض است. وضعیت موجود نه پایدار است و نه برای هیچ یک از طرفین مطلوب، بلکه تنها یک آتش‌بس شکننده و پرهزینه است که هر لحظه احتمال لغزش به سمت سناریوی فاجعه‌بار رانش به سمت درگیری (سناریوی ۴) را در خود دارد.

پیشنهادهای مبتنی بر یافته‌ها (توسعه نظری و کاربردی)

الف) پیشنهادهای کاربردی برای سیاست‌گذاران (سطح عملیاتی):

۱. تمرکز بر دیپلماسی گام‌به‌گام: به جای تلاش برای دستیابی به یک توافق جامع و ناگهانی، طرفین می‌توانند بر روی توافقات جزئی و کاهش دهنده تنش تمرکز کنند (مانند تبادل زندانیان، مسائل منطقه‌ای). این امر می‌تواند فضای اعتماد لازم برای حرکت به سمت سناریوی ۱: بازگشت شکننده را فراهم کند.

۲. ایجاد کانال‌های ارتباطی غیرمستقیم و پایدار: استفاده از نقش میانجی‌گرانی مانند عمان، قطر یا عراق برای ایجاد یک کانال گفت‌وگوی مستمر و مدیریت بحران، حتی در اوج تنش‌ها، جهت جلوگیری از اشتباه محاسباتی.

۳. تفکیک پرونده‌ها: پیشنهاد می‌شود پرونده هسته‌ای از سایر مسائل منطقه‌ای (یمن، سوریه) به صورت عملیاتی تفکیک نشود، اما برای کاهش تنش، در چارچوب مذاکرات، اقدامات متقابل در هر دو حوزه به طور موازی در نظر گرفته شود.

ب) پیشنهاد برای توسعه نظری و تحقیقات آتی (سطح علمی):

۱. توسعه مدل همزیستی اجباری: پیشنهاد می‌شود مفهوم همزیستی اجباری که از یافته‌های این پژوهش استخراج شده است، در مطالعات آتی روابط بین‌الملل به عنوان یک چارچوب نظری برای تحلیل روابط قدرت‌های متعارضی که توانایی نابودی یکدیگر را ندارند، بسط و توسعه داده شود.

۲. کمی‌سازی سناریوها: پژوهش‌های آینده می‌توانند با استفاده از روش‌هایی مانند پویایی‌شناسی سیستم یا تحلیل روند، شاخص‌های کلیدی شناسایی شده در این پژوهش (مانند سطح تحریم‌ها، درصد غنای اورانیوم) را کمی‌سازی کرده و نقطه اوج برای تغییر از یک سناریو به سناریوی دیگر را با دقت بیشتری مدل‌سازی کنند.

۳. تحلیل نقش بازیگران فراملی: مطالعه تأثیر دقیق تر بازیگران غیردولتی و شبکه‌های اقتصادی در دور زدن تحریم‌ها و تأثیرگذاری بر پویایی سناریوها، به درک پیچیدگی این بحران کمک شایانی خواهد کرد.

این نتیجه‌گیری و پیشنهادها به طور مستقیم از یافته‌های تحلیلی مقاله نشأت گرفته و هم برای جامعه دانشگاهی (توسعه چارچوب‌های نظری) و هم برای تصمیم‌گیران سیاسی (ارائه راهکارهای عملی) قابل استفاده و مفید است.

فهرست منابع

- امام جمعه‌زاده، سید جواد (۱۴۰۰). هویت، گفتمان و سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلامی. فصلنامه علمی پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال یازدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۰، صص ۲۳-۴۷.
- برزنونی، محمد علی (۱۳۹۹). آینده‌پژوهی راهبردهای آمریکا برای مقابله با ایران بر پایه سناریونویسی. نشریه علمی آفاق امنیت، شماره چهل و ششم، صص ۵۷-۷۴.
- بیوک، محسن (۱۴۰۳). شناسایی سنجش و تحلیل تهدیدات سیاسی تاثیرگذار بر وقوع بی ثباتی سیاسی در ایران در افق ۱۴۱۲. دوره پنجم. صص: ۱۶۷-۱۹۹.
- پیرزادی، مهدی و فوزی، یحیی (۱۳۹۷). آینده‌پژوهی روابط ایران و قدرت‌های بزرگ، آمریکا، اتحادیه اروپا، چین و روسیه. فصلنامه سیاست کاربردی، صص ۱۲-۲۹.
- طباطبایی، سیدمحمد (۱۳۹۸). آینده‌پژوهی روابط سیاسی جمهوری اسلامی ایران با ایالات متحده آمریکا تا سال ۲۰۲۴. فصلنامه آینده‌پژوهی ایران، صص ۸۱-۱۰۷.
- حاجبانی، مهسا (۱۴۰۳). آینده پژوهی نظام مشاوره شغلی ایران در افق ۱۴۱۰. نشریه علمی آینده پژوهی انقلاب اسلامی. دوره پنجم. صص: ۱۹۹-۲۳۰.
- حاجی، علیرضا (۱۴۰۳). بررسی نقش بازیگران غیردولتی همسو با جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه محیط‌شناسی راهبردی ج.ا.ایران، سال هشتم، شماره ۱، صص ۴۹-۷۰.
- درویشی، فرهاد (۱۳۹۵). چشم‌انداز راهبرد آمریکا در برابر جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه مطالعات راهبردی، صص ۴۳-۷۰.
- ذوالفقاری، مهدی (۱۴۰۲). استراتژی چهار دهه تقابل آمریکا با جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه محیط‌شناسی راهبردی ج.ا.ایران، سال هفتم، شماره ۴، صص ۲۳-۴۲.
- رحیمی، رئوف (۱۴۰۳). تحلیل راهبرد مهار آمریکا در قبال ج.ا.ایران با تأکید بر دوره بایدن. فصلنامه سیاست، دوره ۵۴، شماره ۲، صص ۲۳۳-۲۵۳.
- رفیع، حسین (۱۳۹۹). استراتژی آمریکا در تقابل با نفوذ اقتصادی و سیاسی-امنیتی چین در آسیای مرکزی. فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸۳، صص ۸۲-۹۸.
- رهسپار، زهره (۱۳۹۸). شناسایی و تحلیل ساختاری تأثیر متقابل پيشران‌های تغییر. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، سال ۱۸، شماره ۷، صص ۱۰۰-۱۲۱.
- رومی، فرشاد (۱۴۰۰). جایگاه گروه‌های نیابتی در راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. نشریه سیاست جهانی، دوره ۱۰، شماره ۱، صص ۱۳۱-۱۶۲.
- زارعی، بهادر (۱۳۹۹). چرخش استراتژیک آمریکا از خلیج فارس به منطقه آسیا — پاسیفیک. فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۵۰، شماره ۱، صص ۱۱۱-۱۳۱.

- شوارتس، بریتا (۲۰۲۳). روش های آینده پژوهی. ترجمه محمود ایرانی فرد. انتشارات: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- شمولی، همت الله (۱۴۰۰). راهبرد کلان آمریکا برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران در دولت جو بایدن؛ از سیاست ژئوپلیتیک زدایی تا مشروعیت زدایی، دوره ۱، شماره ۳، صص ۴۱-۶۶.
- صالح رضایی، الهه (۱۴۰۲). پیامدهای امنیتی خروج ایالات متحده آمریکا از برجام بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. نشریه علمی مطالعات راهبردی آمریکا، سال سوم، شماره نهم، صص ۱۴۵-۱۷۵.
- فرهادی، فرشید (۱۴۰۰). آینده نظم منطقه‌ای خاورمیانه در افق ۲۰۳۰. آینده‌پژوهی دفاعی، سال ششم، شماره ۲۲، صص ۳۷-۵۸.
- فوزی، یحیی و پیرزادی، مهدی (۱۳۹۷). آینده‌پژوهی روابط ایران و قدرت‌های بزرگ، آمریکا، اتحادیه اروپا، چین و روسیه. فصلنامه سیاست کاربردی، صص ۱۲-۲۹.
- کریمی‌پور، داود (۱۴۰۴). استراتژی باز موازنه‌گرایی در سیاستگذاری اقتصادی خارجی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه علمی مجلس و راهبرد، دوره ۳۲، شماره ۱۲۱، صص ۲۵۵-۲۸۳.
- کیانی، احسان (۱۴۰۱). آینده مواجهه ایران و آمریکا در دولت بایدن. آینده‌پژوهی دفاعی، سال هفتم، شماره ۲، صص ۷-۲۹.
- لطفی شیرجینی، مهدی (۱۴۰۰). بررسی نمود برجسته‌سازی ایدئولوژی‌محور و عاملیت مترجمان مطبوعاتی: با محوریت روابط ایران و آمریکا. دوماهنامه علمی بین‌المللی، شماره ۲، صص ۶۲۹-۶۵۷.
- لعل علیزاده، محمد (۱۴۰۰). آینده‌پژوهی و سناریوسازی جایگاه قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، سال یازدهم، شماره اول، صص ۱۹۵-۲۲۴.
- مدیرشانه‌چی، محسن (۱۳۹۸). شگفتی‌سازها و پیشران‌های مناسبات ایران و آمریکا در ۱۴۰۸. فصلنامه آینده‌پژوهی ایران، (۲)۴، صص ۱۴۷-۱۶۳.
- مرادیان، محسن (۱۳۹۲). آینده‌پژوهی تهدیدات نظامی آمریکا علیه ج.ا.ایران. امنیت‌پژوهی، شماره ۴۳، صص ۱۴۵-۱۶۲.
- مینایی، حسن (۱۳۹۷). روندپژوهی تهدیدهای آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه آینده‌پژوهی دفاعی، صص ۷-۲۸.
- نیکونهاد، ایوب (۱۴۰۰). سناریوهای آینده روابط ایران و آمریکا در افق پنجساله بر اساس رویکرد سناریونویسی. فصلنامه آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی، صص ۷-۳۵.
- وکیلی، فرهاد (۱۴۰۰). مطالعه مقایسه‌ای راهبرد سیاست خارجی آمریکا. فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، سال یازدهم، شماره اول، صص ۱-۳۴.
- همتی، ابراهیم (۱۳۹۳). مروری بر الگوهای روش تحلیل تأثیر متقابل و معرفی الگویی با منطق همبستگی. مجله مطالعات روش‌شناسی تحقیق، (۴)۹، صص ۴۵-۶۵.

سوری، حسین (۱۴۰۰). کتاب آینده پژوهی تهدیدات نظامی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران. انتشارات دیپادخت

طاهری، ابوالفاسم (۱۳۹۹). روش تحقیق در علوم سیاسی. انتشارات قومس.

مانهایم، یارول (۱۳۹۲). روش‌های تحقیق در علوم سیاسی. لیلا سازگار. نشر دانشگاهی

- Barzanuni, Mohammad Ali (2021). Future Studies of America's Strategies for Confronting Iran Based on Scenario Writing. *Afaq Negimiyat Scientific Journal*, No. 46, pp. 57-74. DOI: 10.22034/DFSR.2021.138182.1429
- Darvishi, Farhad (2015). Perspectives of the US strategy towards the Islamic Republic of Iran. *Strategic Studies Quarterly*, pp. 43-70. DOI: 20.1001.1.17350727.1395.19.71.2.9
- Farhadi, Farshid (2021). The Future of the Middle East Regional Order in the Horizon 2030. *Defense Futures Studies*, Year 6, Issue 22, pp. 37-58. DOI: 10.22034/DFSR.2021.138182.1429
- Fawzi, Yahya and Pirzadi, Mehdi (2018). Future study of relations between Iran and the great powers, the United States, The European Union, China and Russia. *Applied Politics Quarterly*, pp. 12-29. doc/1124198
- Haji, Alireza (2024). Examining the Role of Non-State Actors Aligned with the Islamic Republic of Iran. *Strategic Environmental Quarterly*, J.A. Iran, Year 8, Issue 1, pp. 49-70. DOI: 20.1001.1.28212673.1403.8.1.2.8
- Hemmati, Ebrahim (2019). A review of the models of the mutual influence analysis method and the introduction of a model with the logic of correlation. *Journal of Research Methodology Studies*, 9(4), pp. 45-65. DOI: 10.22034/DFSR.2019.38492
- Imam Jumezadeh, Seyyed Javad (2021). Identity, Discourse and Policy-Making of the Islamic Republic of Iran in the Islamic World. *Quarterly Journal of Political Research in the Islamic World*, Year 11, Issue 4, Winter 2021, pp. 47-23. DOI: 20.1001.1.23222980.1400.11.4.2.6
- Karimipour, Davud (2025). The Rebalancing Strategy in the Foreign Economic Policymaking of the Islamic Republic of Iran. *Quarterly Journal of Parliament and Strategy*, Volume 32, Issue 121, pp. 255-283. DOI: 10.22034/MR.2025.15328.5507
- Kiani, Ehsan (2022). The Future of Iran-US Encounter in the Biden Administration. *Defense Futures Studies*, Year 7, Issue 2, pp. 7-29. DOI: 10.22034/DFSR.2022.547894.1571
- Lal Alizadeh, Mohammad (2021). Futures Studies and Scenario Building of the Regional Power Position of the Islamic Republic of Iran. *Scientific Quarterly of Soft Power Studies*, Year 11, Issue 1, pp. 195-224. DOR: 20.1001.1.23225580.1400.11.1.7.5
- Latifi Shirehjini, Mehdi (2021). A study of the manifestation of highlighting the ideology-centered and the agency of press translators: with a focus on Iran-US relations. *International Scientific Monthly*, No. 2, pp. 629-657. DOI: 20.1001.1.23223081.1400.12.2.6.4
- Minaei, Hassan (2019). Trend study of US threats against the Islamic Republic of Iran. *Defense Futures Studies Quarterly*, pp. 7-28. DOI: 10.22034/DFSR.2019.37988
- Modirshanechi, Mohsen (2019). The surprises and drivers of Iran-US relations in 1408. *Iranian Future Studies Quarterly*, 4(2), pp. 147-163. DOI: 10.30479/JFS.2019.11098.1086
- Moradian, Mohsen (2016). Future study of US military threats against the Republic of Iran. *Security Studies*, 43, No. 12, pp. 145-162. DOI: 20.1001.1.26455129.1396.6.22.6.0
- Nikunhad, Ayoub (2021). Future scenarios of Iran-US relations in a five-year horizon based on a scenario-writing approach. *Islamic Revolution Futures Studies Quarterly*, pp. 7-35. DOI: 20.1001.1.27173674.1400.2.3.1.6

- Rafi, Hossein (2020). America's Strategy in Confronting China's Economic, Political and Security Influence in Central Asia. *Central Asia and Caucasus Quarterly*, No. 83, pp. 82-98. DOI: 1001.1.28212673.2020.7.4.1.6
- Rahimi, Rauf (2024). Analysis of the US containment strategy towards the Islamic Republic of Iran with emphasis on the Biden era. *Politics Quarterly*, Volume 54, Shamlareh 2, pp. 233-253. DOI: 10.22059/JPQ.2024.338979.1007927
- Rahspar, Zohreh (2022). Identification and structural analysis of the mutual influence of drivers of change. *Quarterly Journal of Educational Innovations*, Issue 7, Year 18, pp. 100-121. DOI: 10.30479/JFS.2022.1298
- Rumi, Farshad (2021). The Position of Proxy Groups in the Foreign Policy Strategy of the Islamic Republic of Iran. *Journal of World Politics*, Volume 10, Issue 1, pp. 131-162. DOI: 10.22124/WP.2021.17992.2653
- Saleh Rezaei, Elahe (2023). Security Consequences of the United States' Withdrawal from the Joint Comprehensive Plan of Action on the National Security of the Islamic Republic of Iran. *American Strategic Studies Journal*, Year 3, Issue 9, pp. 145-175. DOI: 10.27834743/ASS.2303.1153.6
- Shamoli, Hematollah (2021). America's grand strategy to confront the Islamic Republic of Iran in the Joe Biden administration; from de-geopoliticization to delegitimization. Volume 1, Issue 3, pp. 41-66. DOI: 10.27834743/ASS.2021.1001
- Tabatabaei, Seyyed Mohammad (2019). Future study of political relations between the Islamic Republic of Iran and the United States of America until 2024. *Iranian Future Studies Quarterly*, pp. 81-107. DOI: 10.30479/JFS.2020.12389.1146
- Vakili, Farhad (2021). A Comparative Study of American Foreign Policy Strategy. *Quarterly Journal of Soft Power Studies*, Year 11, Issue 1, pp. 1-34. DOR: 20.1001.1.23225580.1400.11.1.1.9
- Zarei, Bahadur (2020). America's Strategic Turn from the Persian Gulf to the Asia-Pacific Region. *Quarterly Journal of Politics*, *Journal of the Faculty of Law and Political Science*, Issue 50, Issue 1, pp. 111-131. DOI: 10.22059/JPQ.2020.200804.1006746
- Zolfaghari, Mehdi (2023). The Strategy of Four Decades of America's Confrontation with the Islamic Republic of Iran. *Strategic Environmental Quarterly*, J.A. Iran, Year 7, No. 4, pp. 23-42. DOI: 20.1001.1.28212673.1402.7.4.1.6
- Suri, Hossein (2021). *Future Study of American Military Threats against the Islamic Republic of Iran*. Dibadakht Publications
- Taheri, Abolfasem (2010). *Research Methods in Political Science*. Qoms Publications.
- Manheim, Yarol (2013). *Research Methods in Political Science*. Leila Sazgar. University Press

